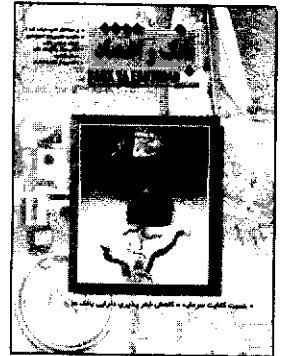


بر سر خانوارها چه خواهد آمد؟

سیداحمد غروی نخجوانی - بیتاشایگانی



چشمگیری داشته است. این، یکی از مسایلی است که به علم اقتصاد و مباحث اقتصادی جذابیت خاصی می‌بخشد، به گونه‌ای که عامه مردم به این علم به عنوان عامل آینده‌ساز و دخیل در سرنوشت خود می‌نگرند و توقعات ویژه‌ای از آن دارند و احتمالاً به همین خاطر است که برنامه‌ها و استراتژی‌های مسوولان اقتصادی، بیشتر از سایر سیاست‌های کشور مورد نقد و ارزیابی قرار می‌گیرند.

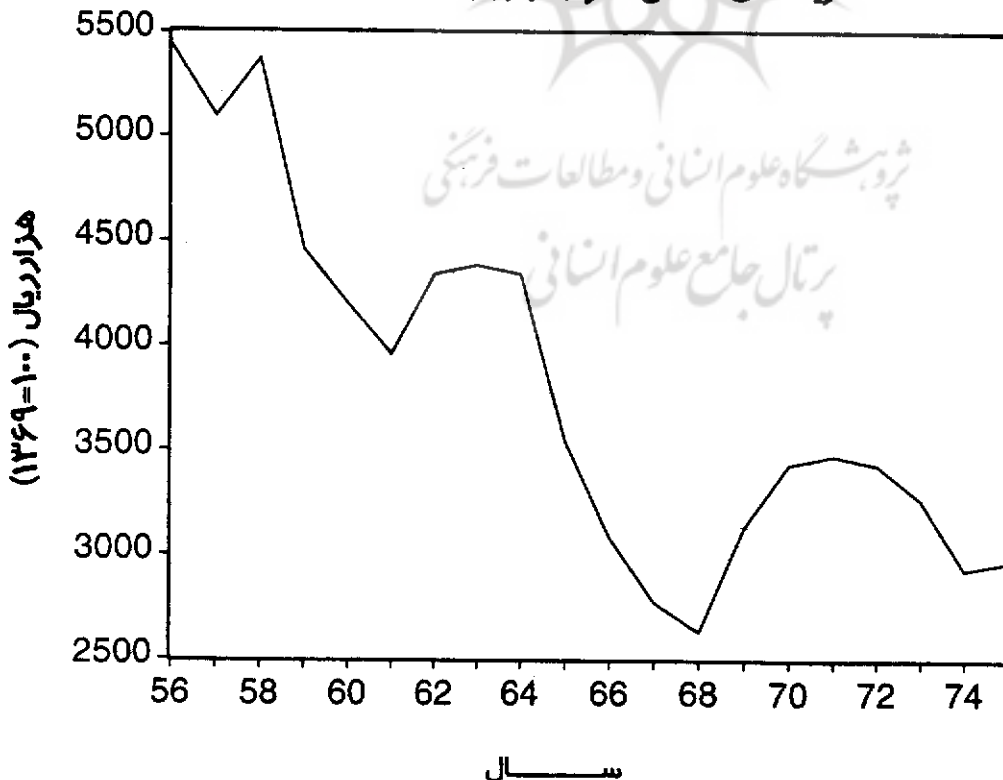
این مساله در کشور ما نیز صدق می‌کند و در حالی که مشکلات و تنگناهای اقتصادی کشور به طرح مسایل و اظهار نظرها در محافل مختلف، رونق قابل توجهی بخشیده است، شاید بتوان این پدیده را به طور خلاصه، نگرانی مردم از وضعیت معیشتی خود در آینده تلقی کرد و تورم موجود در کشور را موجب تشدید این نگرانی دانست. در واقع، مردم تورم را در زندگی روزمره خود حس می‌کنند و به خوبی می‌دانند که تورم آثار منفی بر

به عقیده بسیاری از اندیشمندان و متفکران اقتصادی، یکی از موفقیت‌های مهم علم اقتصاد، افزایش رفاه اقتصادی در بیشتر کشورهای جهان است. در حقیقت، بحث‌های توسعه اقتصادی مطرح در جوامع را می‌توان به نوعی "تلاش برای افزایش رفاه اقتصادی مردم" تلقی کرد. دادن وعده بهروزی و ترفیع وضعیت زندگی مردم هم در تاریخ سابقه‌ای طولانی دارد و به پیش از پیدایش علم اقتصاد امروزی باز می‌گردد. عده‌ای این موضوع را جزو ارکان اصلی مکاتب شکل دهنده سرمایه‌داری، از جمله مرکانتیلیسم تلقی کرده‌اند و بسیاری نیز وعده معروف "آوردن مرغ بریان بر سر سفره مردم" در دوران مرکانتیلیست‌های اروپا را از هنری چهارم نقل قول کرده‌اند.

نگاهی گذرا به وضعیت اقتصادی ملل مختلف جهان، یکسره مبین این واقعیت است که سطح معیشتی تقریباً تمامی کشورها، در قرن حاضر، ارتقای

نمودار شماره یک

هزینه های اساسی خانوار شهری به قیمت ثابت ۶۹



● مردم، تورم را در زندگی روزمره خود حس می‌کنند و می‌دانند که تورم، آثار منفی بر سطح معاش آنان دارد.



سطح معاش آنان دارد و با ادامه تورم، قدرت خرید خود را از دست می‌دهند.

این نوشتار، دقیقاً براساس مطالب فوق تنظیم شده و تلاش می‌شود تا با بررسی وضعیت اقتصادی خانوارهای ایرانی در دو دهه اخیر، حتی الامکان تصویر یا دورنمایی از وضعیت معیشتی ایشان در آینده ارائه شود.

به طور کلی، می‌توان هزینه‌های اساسی یک خانوار را به نوعی به عنوان بدیلی (Proxy) برای نشان دادن سطح رفاه خانوار تلقی کرد. طبیعتاً اگر قرار است که روند این هزینه‌ها بررسی شود، می‌باید ارقام ثابت (تورم‌زدایی شده - Deflated) مورد استفاده قرار بگیرند. جدول شماره یک هزینه‌های اساسی یک خانوار شهری را به قیمت‌های جاری و ثابت سال ۱۳۶۹ نشان می‌دهد.

به خوبی مشاهده می‌شود که علیرغم روند صعودی و سیر فزاینده هزینه‌های اساسی به قیمت جاری، هزینه‌های واقعی در طول دوره زمانی ۱۳۷۵-۱۳۵۶ روند نزولی دارد، به گونه‌ای که هزینه واقعی یک خانوار شهری در سال ۱۳۵۶ نزدیک به دو برابر هزینه سال ۱۳۷۵ او بوده‌است.

برای سهولت بررسی، نمودار شماره یک با استفاده از ارقام هزینه‌های اساسی خانوارهای شهری به قیمت ثابت رسم شده‌است. مشاهده می‌شود که هزینه‌های واقعی خانوارها تا سال ۱۳۶۱ یکسره کاهش یافته و پس از سه

جدول شماره یک

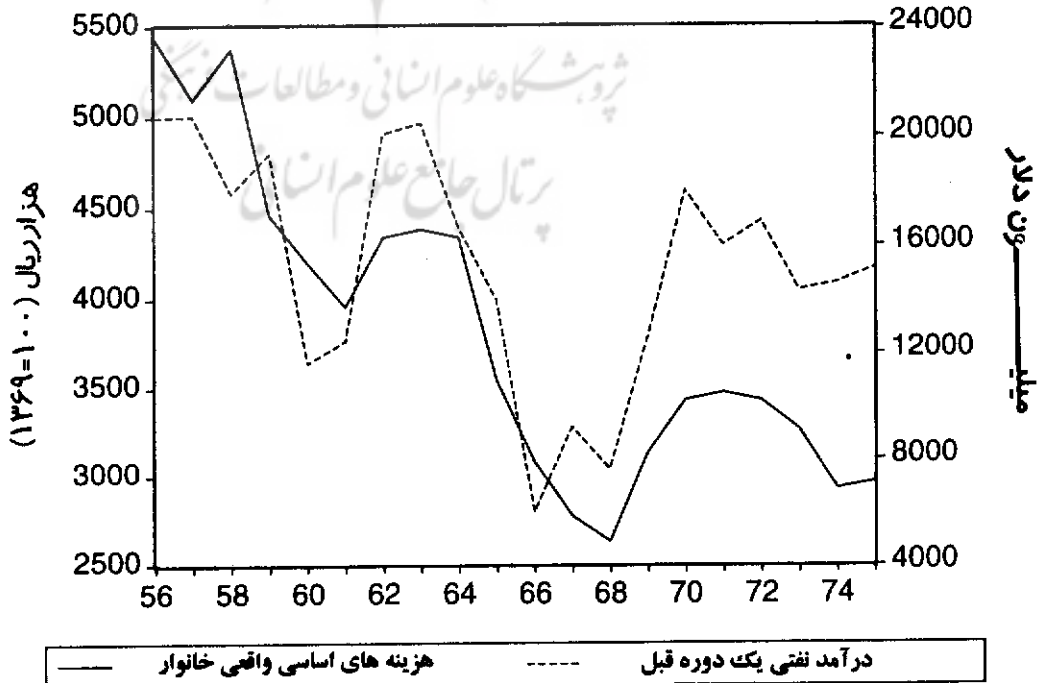
هزینه‌های اساسی خانوار شهری به قیمت‌های جاری و ثابت

سال	هزینه‌های خانوار هزار ریال - جاری	هزینه‌های خانوار هزار ریال - ثابت سال ۱۳۶۹
۱۳۵۶	۶۹۵/۶۰	۵۲۳۳/۳۷
۱۳۵۷	۷۰۸/۵۰	۵۰۹۷/۱۲
۱۳۵۸	۸۳۸/۵۰	۵۳۷۵/۰۰
۱۳۵۹	۸۶۱/۰۰	۲۲۶۱/۱۲
۱۳۶۰	۹۹۵/۹۰	۲۲۰۲/۱۱
۱۳۶۱	۱۱۲۰/۴۰	۳۹۵۹/۰۱
۱۳۶۲	۱۴۱۱/۶۰	۴۳۴۳/۳۸
۱۳۶۳	۱۵۷۴/۵۰	۲۳۸۵/۷۹
۱۳۶۴	۱۶۶۷/۵۰	۲۳۴۲/۴۲
۱۳۶۵	۱۶۸۳/۳۰	۳۵۴۳/۷۸
۱۳۶۶	۱۸۶۷/۴۰	۳۰۸۱/۵۱
۱۳۶۷	۲۱۶۷/۸۰	۲۷۷۲/۱۲
۱۳۶۸	۲۴۱۴/۶۰	۲۶۳۰/۲۸
۱۳۶۹	۳۱۳۱/۴۰	۳۱۳۱/۴۰
۱۳۷۰	۴۱۴۱/۶۰	۲۴۳۱/۳۱
۱۳۷۱	۵۲۱۴/۲۰	۳۲۷۳/۸۱
۱۳۷۲	۶۳۲۶/۶۰	۳۳۳۰/۹۱
۱۳۷۳	۸۱۳۸/۲۰	۳۲۶۴/۴۲
۱۳۷۴	۱۰۹۰۵/۲۰	۲۹۲۸/۳۵
۱۳۷۵	۱۳۶۱۲/۶۰	۲۹۶۷/۰۰

منابع: بررسیهای بودجه خانوار اداره کل آمار اقتصادی بانک مرکزی.

نمودار شماره دو

مقایسه هزینه های واقعی خانوار با درآمد نفتی یک دوره قبل



● آنچه خانوارهای شهری در سال ۱۳۷۵ برای زندگی خود به طور واقعی هزینه کرده‌اند، نصف آن چیزی است که در سال ۱۳۵۶ خرج می‌کرده‌اند.



تحت تأثیر درآمدهای نفتی قرار داشته‌است. نمودار شماره دو روند هزینه‌های اساسی واقعی خانوارهای شهری را با درآمدهای نفتی یک دوره قبل نشان می‌دهد و همبستگی این دو متغیر به خوبی مشهود است.

ب) تورم: اگر چه ارقام هزینه‌های اساسی واقعی، تورم‌زدایی شده‌اند، باز هم نمی‌توان منکر تأثیر تورم بر آنها شد. در اقتصاد کلان تئوری‌های مختلفی درباره تأثیر تورم بر مصرف ارایه شده‌است. برخی از اقتصاددانان معتقدند که تورم، موجب کاهش مصرف می‌شود^(۲) و نظریه کاملاً مخالف نیز ارایه شده‌است.

به هر حال، در طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۵۶ تورم تأثیر معکوسی بر هزینه‌های اساسی واقعی داشته‌است. نمودار شماره سه روند تورم و هزینه‌های اساسی واقعی خانوارها را با یکدیگر مقایسه می‌کند.

پ) رشد نقدینگی: رشد نقدینگی به طور کلی، بر میزان مصرف تأثیر مثبت دارد. به همین ترتیب، رشد نقدینگی با یک یا دو سال تأخیر، بر هزینه‌های اساسی واقعی خانوارها مؤثر بوده‌است. نمودار شماره چهار روند این دو را نشان می‌دهد و در آن، به خوبی می‌توان ارتباط و همبستگی میان رشد نقدینگی و هزینه‌های اساسی واقعی را ملاحظه کرد.

با لحاظ نمودن متغیرهای فوق و بکارگیری متغیر مجازی برای سال‌های جنگ، رگرسیون زیر به دست آمد^(۳):

سال بهبود، به کم سابقه‌ترین میزان خود در سال ۱۳۶۸ سقوط می‌کند. مجدداً از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۷۱ این هزینه‌ها افزایش یافته و پس از آن، تا سال ۱۳۷۵ کاهش می‌یابد. این ارقام حاکی از آن است که وضعیت رفاهی - معیشتی خانوارهای شهری کشور در دو دهه اخیر نه تنها بهبودی نداشته، بلکه به نصف نیز تقلیل یافته‌است. به عبارتی، آنچه خانوارهای شهری در سال ۱۳۷۵ برای زندگی خود به طور واقعی هزینه کرده‌اند، نصف آن چیزی است که در سال ۱۳۵۶ خرج می‌کرده‌اند! حال آنکه باید توجه داشت که در طی مدت این بیست سال، ساختار هزینه خانوارها به کلی دگرگون شده‌است، به طوری که با تغییر الگوی مصرف ایشان، بسیاری از هزینه‌هایی که امروزه ضروری محسوب می‌شوند، در هزینه‌های سال ۱۳۵۶ لحاظ نمی‌شدند^(۱).

برای بررسی علل نوسانات هزینه‌های اساسی واقعی خانوارها، متغیرهای کلان اقتصادی مختلفی مورد مطالعه قرار گرفت و با محاسبه ضرایب همبستگی و انجام رگرسیون‌های مختلف (که ذکر آنها در اینجا ضروری نیست) مشخص شد که بی‌تردید در طی سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۷۵ عوامل زیر بر هزینه‌های واقعی خانوارها تأثیر به سزایی داشته‌اند:

الف) درآمدهای نفتی: نمی‌توان متغیری را در اقتصاد ایران یافت که از درآمدهای نفتی تأثیر نگیرد. هزینه‌های اساسی واقعی خانوارها نیز از این امر مستثنا نیست و

جدول شماره دو

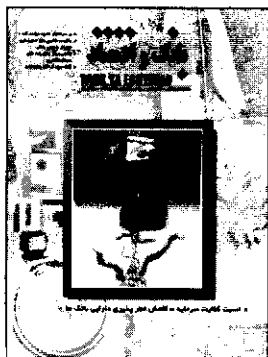
هزینه‌های اساسی واقعی خانوارهای شهری به تفکیک

ارقام به ریال ثابت ۱۳۶۹

سال	سکن	خوراکی	تحصیل و مطالعه	بهداشت و درمان	سرخس
۱۳۶۱	۷۹۷۷۵۷	۸۲۲۲۹۰	۴۲۲۵	۷۱۵۲	۶۷۰۴
۱۳۶۲	۶۶۲۸۱۳	۹۱۳۹۲۱	۳۳۶۴	۷۱۰۹	۵۵۳۵
۱۳۶۳	۶۹۹۳۸۸	۹۱۵۶۵۳	۲۸۸۰	۸۳۳۷	۵۲۷۸
۱۳۶۴	۸۰۸۵۷۳	۱۰۳۹۵۸۴	۳۳۰۹۸	۹۳۴۵۴	۸۳۲۹۴
۱۳۶۵	۷۸۹۶۲۷	۸۹۱۶۴۴	۲۱۱۱۶	۷۴۵۵۹	۷۲۶۳۵
۱۳۶۶	۶۶۳۶۹۷	۸۶۶۵۵۸	۱۷۲۱۹	۹۸۸۲۰	۶۳۶۸۸
۱۳۶۷	۶۱۵۳۹۸	۹۱۹۰۸۸	۱۵۷۵۸	۱۰۴۲۳۵	۵۸۱۲۲
۱۳۶۸	۶۱۷۱۴۳	۹۰۶۲۱۶	۱۸۲۱۵	۸۳۵۲۹	۵۰۴۴۹
۱۳۶۹	۷۹۲۴۸۸	۷۰۱۳۸۱	۲۵۹۸۸	۹۱۵۹۸	۵۳۳۱۹
۱۳۷۰	۸۹۰۷۷۰	۷۲۵۹۷۸	۳۲۹۱۰	۱۰۱۰۰۷	۷۲۹۶۱
۱۳۷۱	۸۵۱۰۷۲	۶۹۵۶۳۳	۴۳۵۹۰	۱۰۳۹۴۴	۸۰۱۵۹
۱۳۷۲	۹۲۶۷۸۹	۶۹۷۵۴۵	۴۴۲۰۳	۷۱۸۶۷	۷۵۳۸۷
۱۳۷۳	۹۴۸۰۶۶	۷۲۱۷۴۸	۵۴۷۳۷	۸۲۵۳۹	۷۳۳۷۶
۱۳۷۴	۹۷۲۶۱۰	۶۷۲۳۸۷	۵۵۱۶۲	۸۴۵۹۹	۶۴۰۷۱
۱۳۷۵	۹۸۷۲۳۷	۶۵۷۲۵۶	۵۳۱۶۸	۷۶۶۲۹	۷۲۰۸۶

ماخذ: سالنامه‌های آماری مرکز آمار ایران در سالهای مختلف

● توقعات ویژه مردم از علم اقتصاد به عنوان عامل آینده‌ساز و دخیل در سرنوشت جوامع، موجب شده‌است که برنامه‌ها و استراتژی‌های مسوولان اقتصادی کشورها، بیش از سایر سیاست‌ها مورد نقد و ارزیابی قرار گیرد.



اساسی واقعی را در سال بعد به میزان ۳۳۷۰۰ ریال سال ۱۳۶۹ کاهش می‌دهد.

(ب) افزایش یک میلیارد دلار درآمد نفتی، هزینه‌های مذکور را حدود ۸۰۰۰۰ ریال سال ۱۳۶۹ افزایش می‌دهد. (پ) یک درصد افزایش در رشد نقدینگی، معادل ۵۲۰۰۰ ریال سال ۱۳۶۹ بر هزینه‌های اساسی واقعی دو سال بعد خانوار می‌افزاید.

(ت) به طور متوسط، هزینه‌های اساسی در سال‌های جنگ، معادل ۴۰۵۰۰۰ ریال ۱۳۶۹ بیشتر از دیگر سال‌ها بوده است.

اثر متغیرهای فوق و احياناً دیگر متغیرهایی که در اینجا در نظر گرفته نشده‌اند، تنها به نوسانات هزینه‌های واقعی خانوارها خلاصه نمی‌شود، بلکه ممکن است ساختار آنها نیز تغییر کرده باشد. به منظور بررسی ساختار هزینه‌های واقعی می‌توان از جدول دو و سه استفاده کرد. جدول شماره دو میزان هزینه‌های اساسی واقعی خانوارهای شهری را در سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۵ به تفکیک هزینه‌های مسکن، خوراکی، بهداشت و درمان، مطالعه و تحصیل و سوخت نشان می‌دهد. جدول شماره چهار نیز سهم هر یک از اقلام فوق را در کل هزینه‌ها منعکس می‌نماید.

به طور کلی، می‌توان چنین نتیجه گرفت که همواره مسکن و خوراک بیشترین سهم را در تشکیل هزینه‌ها

$$\text{Homcosc}_t = 1882/35 + 0.08 \text{Oil}_t - 33/71$$

$$\text{Inflat}_{t-1} + 52/45 \text{Gliq}_{t-1} + 405/81 \text{Dumwar}_t$$

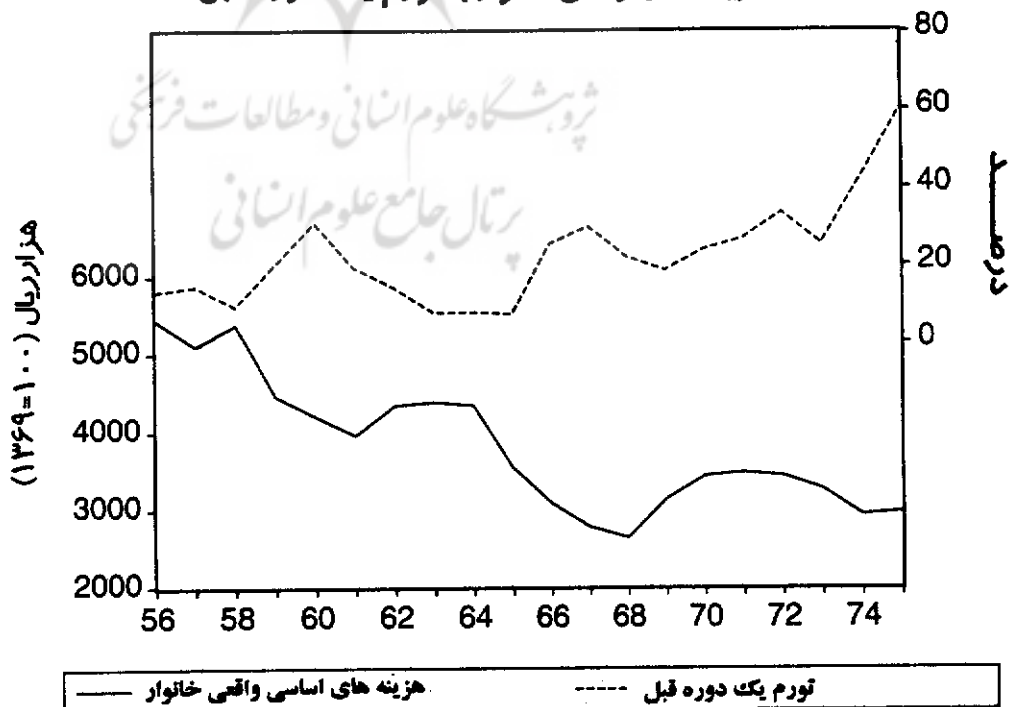
در این رگرسیون Homcosc هزینه‌های اساسی واقعی خانوار، oil درآمد‌های نفتی، Inflat تورم، Gliq رشد نقدینگی و Dumwar سال‌های جنگ را نشان می‌دهد.

ضریب تعیین R^2 برای این رگرسیون ۸۷ درصد به دست آمده است، یعنی ۸۷ درصد نوسانات هزینه‌های اساسی واقعی با درآمد‌های نفتی یک دوره قبل، تورم یک دوره قبل و رشد نقدینگی دو دوره قبل توجیه می‌شود. وقفه‌های زمانی به دست آمده نیز جالب به نظر می‌رسد. مثلاً درآمد‌های نفتی و تورم پس از یک سال اثر خود را نمایان می‌کنند. این مساله کاملاً طبیعی است، زیرا اصولاً انتقال درآمد‌های نفتی به کشور با تأخیر روبروست و از طرفی، خانوارها با توجه به دوره قبل، مصرف خود را تعدیل می‌کنند. در مورد وقفه دو ساله نقدینگی نیز می‌توان گفت که تأثیر سیاست‌های پولی دولت پس از یک یا دو دوره هویدا می‌شود.

حال، با توجه به اینکه در رگرسیون فوق متغیرهای مستقل وابسته با وقفه هستند، می‌توان با در دست داشتن ارقام تورم، درآمد نفتی و رشد نقدینگی، دورنمایی را برای هزینه‌های اساسی واقعی خانوارها تصویر کرد. با توجه به ضرایب به دست آمده می‌توان چنین استنتاج کرد: الف) یک درصد افزایش نرخ تورم، هزینه‌های

نمودار شماره سه

مقایسه هزینه‌های واقعی خانوار با تورم یک دوره قبل



● تجربه چهار دهه اخیر حاکی از آن است که تورم ایران در بلندمدت روندی صعودی دارد و این روند، به معنای کاهش سطح رفاه خانوارها در سال‌های آتی است.



هزینه‌های اساسی خانوار، می‌توان چشم‌انداز وضعیت آینده خانوارها را چنین تصور کرد:

الف) درآمدهای نفتی: با سقوط درآمدهای نفتی در دو سال اخیر و با توجه به رگرسیون به دست آمده در این نوشتار، می‌توان چنین انتظار داشت که کاهش فعلی درآمدهای نفتی به کاهش هزینه‌های واقعی خانوار در سال یا سال‌های آتی منجر می‌شود.

ب) تورم: برخی از اندیشمندان اقتصادی بر این عقیده‌اند که علی‌رغم نوسانات تورم و با وجود سیاست‌های اقتصادی مختلف دولت و مسوولان، یک روند بلندمدت در افزایش قیمت‌ها وجود دارد. نمودار شماره پنج این مساله را به سادگی نشان می‌دهد. در حقیقت، این عقیده وجود دارد که بنا به مسایل ساختاری اقتصاد کشور و با عنایت به تجربه چهار دهه اخیر، تورم ایران، در بلندمدت روندی صعودی دارد. پیش‌بینی‌هایی که در مورد روند افزایش تورم در سال‌های آتی^(۴) صورت گرفته است، به معنای روند کاهنده رفاه خانوارها در آینده است.

پ) رشد نقدینگی: چنین انتظار می‌رود که با کاهش رشد نقدینگی در سال‌های اخیر، که به منظور کنترل تورم صورت گرفته است، و با تأکید دولت بر ادامه این سیاست، هزینه‌های اساسی واقعی خانوار در سال‌های آینده کاهش یابد.

داشته‌اند. دوم اینکه، در این دوازده سال، کمترین سهم مربوط به هزینه‌های تحصیل و مطالعه بوده‌است. سوم اینکه، سهم هزینه‌های بهداشت و درمان و سوخت تقریباً ثابت مانده است. چهارم اینکه، سهم هزینه‌های مسکن و خوراک بیشترین نوسان را داشته‌اند، به گونه‌ای که سهم هزینه‌های مسکن از ۳۷ درصد در سال ۱۳۶۴، به ۴۸ درصد در سال ۱۳۷۲ و در سال ۱۳۷۵ به حدود ۴۶ درصد رسیده‌است. سهم هزینه‌های خوراکی نیز از ۵۱ درصد در سال ۱۳۶۴، به ۴۰ درصد در سال ۱۳۷۵ می‌رسد. پنجم اینکه، سهم هزینه‌های مطالعه با یک روند تقریباً یکنواخت افزایش داشته‌است.

شایان ذکر آنکه در بررسی ارقام مربوط به سهم هزینه‌ها، باید به این امر مهم توجه داشت که افزایش سهم یک هزینه موجب کاهش سهم دیگر هزینه‌ها می‌شود. در سطور قبلی گفته شد که سهم هزینه مسکن در کل هزینه‌ها افزایش و سهم خوراک کاهش قابل توجهی یافته است. جدول شماره دو نشان می‌دهد که احتمالاً خانوارها برای تأمین هزینه مسکن، از هزینه‌های خوراکی خود کاسته‌اند. به طوری که هزینه مسکن یک خانوار از ۷۹۷۷۵۷ ریال (سال پایه ۱۳۶۹) در سال ۱۳۶۱، به ۹۸۷۲۴۷ ریال (۲۴ درصد افزایش) در سال ۱۳۷۵ رسیده‌است، ولی هزینه‌های خوراکی یک خانوار از ۸۲۲۲۹۰ ریال در سال ۱۳۶۱، به ۶۵۷۲۵۶ ریال (۲۰ درصد کاهش) در سال ۱۳۷۵ تنزل یافته است. حال، با توجه به وضعیت عوامل تأثیرگذار بر

جدول شماره سه

سهم هریک از اقلام هزینه در کل هزینه‌های واقعی خانوارهای شهری

ارقام به درصد

سال	مسکن	خوراک	تحصیل و مطالعه	بهداشت و درمان	سوخت
۱۳۶۴	۳۷/۱	۵۱/۷	۱/۰	۶/۵	۳/۴
۱۳۶۵	۳۹/۱	۵۱/۳	۱/۰	۵/۰	۳/۳
۱۳۶۶	۳۶/۱	۵۳/۱	۱/۱	۶/۱	۳/۳
۱۳۶۷	۳۵/۰	۶۴/۹	۱/۲	۵/۵	۳/۲
۱۳۶۸	۳۶/۲	۵۴/۹	۱/۲	۴/۶	۲/۹
۱۳۶۹	۴۷/۶	۴۲/۱	۱/۵	۵/۵	۳/۲
۱۳۷۰	۴۷/۹	۴۰/۶	۱/۵	۵/۹	۳/۹
۱۳۷۱	۴۶/۰	۴۰/۱	۱/۸	۷/۵	۴/۳
۱۳۷۲	۴۸/۰	۳۹/۹	۲/۰	۵/۹	۴/۰
۱۳۷۳	۴۴/۰	۲۲/۰	۲/۷	۷/۱	۳/۹
۱۳۷۴	۴۱/۳	۴۴/۸	۳/۲	۶/۹	۳/۶
۱۳۷۵	۴۵/۶	۴۰/۳	۳/۱	۶/۸	۲/۰

ماخذ: محاسبه شده از ارقام هزینه‌های اساسی خانوار در سالنامه‌های آماری مرکز آمار ایران در سالهای مختلف

● توسعه اقتصادی به نوعی تلاش برای افزایش رفاه اقتصادی مردم است.

جمع‌بندی

زیرنویس‌ها

۱- مثلاً در سال ۱۳۵۶ داشتن تلویزیون با برخی از لوازم منزل جزو ضروریات زندگی محسوب نمی‌شد.

۲- این مساله در اقتصاد کلان به اثر حقیقی یا Real Effect معروف است. برای اطلاع رجوع شود به:

W.H.Branson/Macroeconomics Theory and Policy/ Harper and Row/ Third Edition.

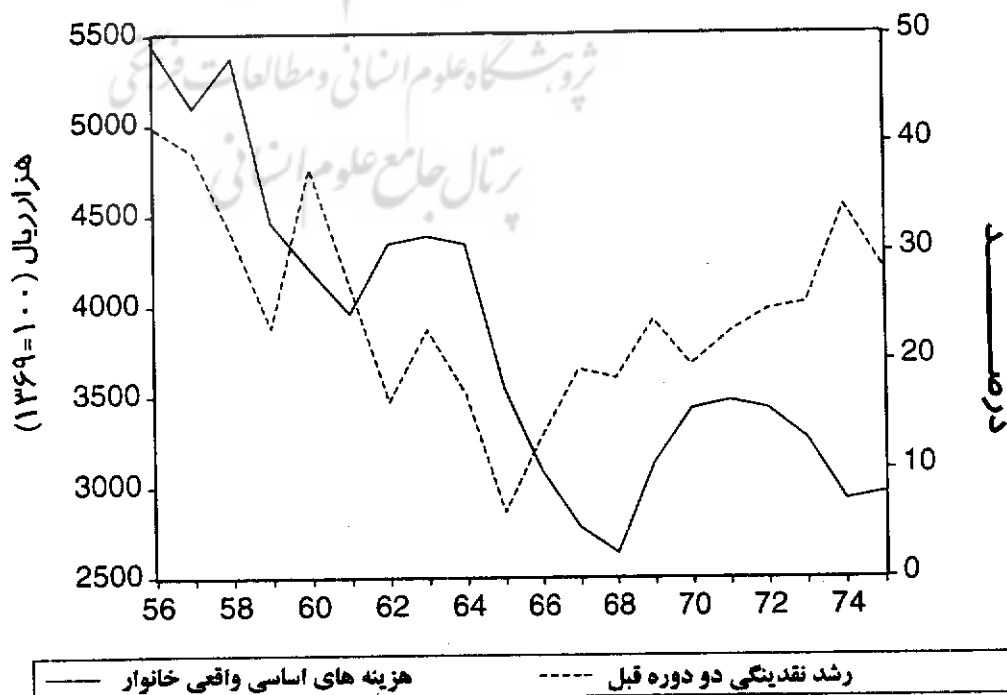
۳- آماره‌های t و F بدست آمده دارای اهمیت آماری می‌باشند و آمارهٔ دوربین واتسون نیز برابر $2/02$ بدست آمده که نشان‌دهنده عدم وجود مشکل خود همبستگی است. ممکن است چنین تصور شود که همبستگی میان تورم، نفت و رشد نقدینگی، منجر به مشکل همخطی در مدل شده باشد، ولی با عنایت به اینکه بیشترین ضریب همبستگی میان این متغیرها از ۳۰ درصد تجاوز نمی‌کند، احتمال وجود همخطی بسیار ضعیف است.

۴- برای اطلاع مراجعه شود به: مهدی تقوی - سیداحمدغروی نخجوانی / اثر رشد نقدینگی بر تورم در ایران / مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی / شماره ۱۳۸-۱۳۷ / بهمن و اسفند ماه ۱۳۷۷.

علیرغم مطالبی که بعضاً درباره بهبود وضعیت زندگی و رفاه خانوارها مطرح می‌شود، وضعیت زندگی خانوارهای شهری نه تنها بهبودی نداشته، که به نصف میزان خود در دو دههٔ قبل تقلیل یافته است. این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که چون میانگین ارقام مورد استفاده قرار گرفته‌اند، چه بسا وضعیت گروهی از خانوارها از آنچه اشاره شد نیز بدتر شده باشد. همچنین، مطالعه ساختار هزینه‌های خانوار نیز بر بدتر شدن اوضاع ایشان دلالت دارد. نتایج اقتصادسنجی نیز مبین این واقعیت است که کاهش سطح زندگی خانوارها همچنان ادامه می‌یابد و وضع رفاهی آنها به تدریج بدتر می‌شود. این مساله هشدار جدی برای مسوولان اقتصادی کشور محسوب می‌شود، چرا که اگر این روند ادامه یابد، روزی خواهد رسید که اکثریت مردم به نان شبشان هم محتاج شوند.

نمودار شماره چهار

مقایسه هزینه‌های واقعی خانوار با رشد نقدینگی دو دوره قبل



● عامه مردم به علم اقتصاد، به عنوان عامل آینده‌ساز و دخیل در سرنوشت خود می‌نگرند.